

یک عروسی یک قتل و بقیه ماجرا...!

(در حاشیه روز جهانی کارگر)

اخیرن روزنامه گاردین انگلیس مقاله بی منتشر نمود مبنی بر پیشنهاد فروش برنامه های کامپیوتری توسط یک کمپانی انگلیسی به رژیم مصر جهت وارد شدن به کامپیوترهای مخالفین دولت و به کنترل در آوردن تمام ارتباطات کامپیوتری آنان، سانسور کردن وب سایت شان از طریق ایمیل آدرس آنها، به کنترل در آوردن ایمیل های یاهو، هات میل و جی میل و ...

کمپانی انگلیسی "گاما ی بین المللی" مجوز کسب دارد، تا در حالیکه امپریالیست قلدر آمریکا و شرکایش در حال " مستقر کردن حقوق بشر جهانی" هستند، این کمپانی و امثال آن مثل زیمنس آلمان به دولت‌ها وسایل سرکوب و کنترل مخالفین سرمایه داری بفروشند، از چه سازمانی "بشری" مجوز کسب برای این شرکت صادر شده؟، تا برنامه 'fin spy' را به فروش رساند آنها تنها به **دولتها**. آیا این " مجوز" را کسی به جز دستگاه ایمنجی سرویس انگلیس میتواند صادر کنند؟ سرویس اطلاعاتی که تنگاتنگ با سازمان سی آی ای آمریکا مشغول به رد و بدل کردن اطلاعات هستند.

متأسفانه برخلاف تصور که پیشرفت تکنولوژی به برخی جنبه ها کمک میکند، در حال حاضر شاهدیم که با قرار گرفتن تکنولوژی پیشرفته در دست طبقه ظالم و ستمگر و غارتگر مخرب و ضد آزادی های بشری هم از کار در میاید، همانطور که استفاده از کشف انیشتن توسط کمپانی های جنایتکار نظامی آمریکایی که منافع طبقه غارتگر را به پیش میبرند ساختن بمب اتم ساختند و با استفاده از آن در جنگهای ظالمانه شان میلیونهای شهروند غیرنظامی از طبقه کارگر و زحمتکش را قتل عام کردند.

عروسی

در یک خانواده زحمتکش و یا فقیر و محروم اگر یک دو جوان بهم علاقه داشتند و یا حتی بر حسب رسم ارتجاعی به خواستگاری رفتند اولین سوال در ذهن همه این است: آقا داماد چکاره ست؟ و اگر بیچاره بینوا هم که مثل خیل بیکاران کاری هم نداشته باشد که دیگر نگو و نپرس که چه تحقیرها و توهین ها که نمیشود و عروسی یی هم سر نمیگیرد! از در و همسایه و زمین و آسمان به او ایراد گرفته میشود. اما در خانواده غارتگران دنیا این خبرها نیست!

از ماه ها قبل اکثر رسانه های انگلیسی و سایر کشورها برای "سرگرم" کردن افکار عمومی، و به ویژه افراد نادانی که هر چه در میاورند به جیب استثمارکنندگانشان میریزند تا زندگی و شکل و شمایل خود را مطابق "مُد روز" سازند و آخرشم هم با کلی قرض و سایر ناهنجاری های زندگی روبرو میشوند، خبر از عروسی " انگل سلطنتی" دادند!

هیچ کدام از "طرفداران نادان" این انگلها سوال نمی کند خب، آقای داماد چکاره اند؟ یا خانم عروس همینطور! همه اینها " شاهزاده " بودن را لابد به حساب شغل میگذارند. البته ظهور و تاریخ "شاهان" از همان زمانی شروع میشود که مراحل تاریخی معین تکامل تولید طبقات را بوجود آوردند و ابزار و انبارهای ذخیره تولیدات را در دست طبقه غارتگر قرار داد که این طبقه غارتگر برای مصون ماندن انبارهای ذخیره آذوقه از دستبرد طبقه زحمتکش نیاز به قلدرانی داشت که از انبار ذخیره(سود انباشته شده طبقه مرفه) پاسداری کند، در ابتدا به این قلدران باج و خراج بگیران میگفتند، رفته رفته که سیر تکامل تولید پیش رفت، این ها به خودشان لقب " نجبا و اشراف" دادند.. و با باج های کلانی که دریافت میکردند زندگی های مجلل لوکس برای خود فراهم آورده و دیگر لقب اشراف و نجبا(که در اصل نانچیب ترین قشر با رباکارهای اخلاقی بودند) و اشراف هم برایشان کافی نبود، چون اینها بودند که " سود طبقه غارتگر" را تضمین و حفاظت میکردند پس تختی و تاج هم برای خود قرار داده تا به این وسیله بند ناف "بقای انگلی" خود را با سرمایه داری برای همیشه محکم کنند!

شاهزادگانی که هیچ سهمی در تولید ندارند، اما باج گرفتن از طریق مالیات پرداختی باعث گردیده که خود را زمین و هر آنچه در آن است را مالمیک خود میدانند! شاهزادگان فسیل مغزهایی هستند که تنها مثل لاشه های گوشت برای به نمایش گذاشتن زندگی، و لباسهای مجلل شان جلوی دوربین های قرار میگیرند تا هم نادان ها را سرگرم کنند و هم آنها را در " رویا"ی یک زندگی مجلل و لوکس در لابه لای چرخ دندانه های کار له و لورده تر کنند تا هر چه در میاورند به جیب کمپانی های مد و وسایل لوکس و مجلل بریزند! رویایی که برخی ها متأسفانه بجای پی بردن به ریشه این اختلاف طبقاتی نه تنها زندگی و کانون خانواده خود را متلاشی میکنند بلکه جسم خود را نیز با قرض و قوله مطابق آن الگوهای مدرن درمیآورند تا بلکه " شاهزاده " ای پیدا شود... و بدین طریق خود را از بهره مند شدن از یک زندگی سالم و ساده اما مملو از عشق بیکدیگر و صفا و صداقت محروم میسازند..

از اصل قضیه دور نشویم که موضوع ازدواج این دو شاهزاده بود که دولت انگلیس موظف است زندگی آنها و سایر خاندان باج بگیر سلطنتی را از یکی از راه ها که آن پرداخت از مالیات زحمتکشان در انگلیس میباشد تامین کند. که این هزینه هم رقم ناچیزی نیست، امسال دولت انگلیس موظف بود ۸ میلیارد پوند انگلیس هزینه دربار سلطنتی را تامین کند!

کمپانی های با سودهای نجومی مثل تاپ من، ویرجین، ام اند اس، بوتس... هرگز مالیات خود را نمیپردازند. و در این مورد ماههاست که فعالین معمولی و نه صرفن ضدسرمایه داری بعنوان اعتراض به بالا رفتن شهریه دانشگاه ها به فروشگاه های این غارتگران دزد میروند در آنجا تحصن میکنند و میخواهند که صاحبان این کمپانی ها مالیات شان را پرداخت کنند! آیا چنین شد؟ خیر! اما اگر یک زحمتکش مالیات شهرداری خانه حقیرش را پرداخت نکند نامه نگاری ها و دادگاه و پلیس مامور دادگاه در تعقیب آن بیچاره هستند! و اسم این عمل در جامعه سرمایه داری برقراری "برابری" شهروندان در برابر اجرای "قانون" ست!

در انگلیس مثل سایر کشورها که دولت حامی غارتگرانش عرصه زندگی را بر کم درآمدها و فقیران روز به روز تنگ تر میکند پیشی بینی میشد که در روز جهانی کارگر ده ها هزار معترض به برنامه تحمیلی "ریاضت اقتصادی دولت" را به خیابانها بکشاند! آیا چنین شد؟

حداقل برای آنها که امسال در انگلیس در راهپیمایی های روز اول ماه مه شرکت داشتند تعجب برانگیز بود که آن نیم میلیون شرکت کننده که از سراسر انگلیس در اعتراضات ماه گذشته در لندن گرد آمده بودند امروز کجا هستند؟ که حداقل ۵۰ هزار نفر آن میبایست در راه پیمایی روز جهانی کارگر در لندن در کنار آن "حدود دو هزار" نفر باشند. در راه پیمایی که یک گروه سوسیال آنارشیست ضمن بر شمردن نکات زیادی از مبارزات اخیر، از جمله تشویق به مبارزه قهرآمیز و کارکردن در بین توده ها برای شرکت هر چه بیشتر در سازماندهی برای یک انقلاب و نه شرکت در راه پیمایی هایی که "سالن مُد" است را برشمرد! آنها در حالی که پلیس ها انگلیس از زمین و آسمان کنترلشان میکرد اعلام کردند که در هفته گذشته در یک عملیات انقلابی، پلیس حامی "ثروت غارتگران" بیش از ۱۵۰ تن از نیروهای آنها که در صف مقدم مبارزه سینه دشمن را میشکافتند و با دستهایی پرتوان سود سرمایه را به خطر میانداختند، خیابانهایی که مراکز "سود دهی" در آنها قرار دارد را مسدود میکردند، و نهادهای سرمایه داری را در سر راه خود بی نصیب نمیکذاشت دستگیر کرد، آنها اعلام داشتند که دیگر نباید منتظر بود تا بیش از این طبقه زحمتکش و فقیر توسط دزدان دسترنجشان مورد تهاجم قرار بگیرند، و فرزندان آنها فقیر از خودشان آینده را پیش رو داشته باشند به همین دلیل آنها در فکر سازماندهی اساسی نیرو برای به زیر کشیدن دولت انگلیس میباشند. آنها قوی بن تایید داشتند خیابانهایی که سرنگونی سیستم متعفن انگلیس را به چالش میکند سالن مُد نخواهد بود، میدانهای نبردی خواهند بود که انقلاب را به خانه باز میگردانند. آنها به درستی به نقش پادوهای سرمایه داری، چه در اتحادیه های راست و چه احزاب دست راستی چپ نما که در تظاهرات ها مختلف با پلیس "همکاری" میکنند، در منفعول نمودن طبقه کارگر انگلیس نیز اشاره داشتند و آنها را دلیل کمی تعداد شرکت کننده در راه پیمایی امروز روز جهانی کارگر در لندن دانستند.

یک ماه قبل دیوید کمرون نخست وزیر دولت ائتلافی انگلیس در یک خبر اعلام داشت که قصد "حذف روز جهانی کارگر" از تقویم انگلیس را دارد! چند اتحادیه هم که بر روی کاغذ بر دهان نخست وزیر کوبیدند. اما آیا این کوبیدن کاغذی کافی بود؟ یا اینکه آنها اهداف دیگری را در سر داشتند مانند به انحراف کشاندن تظاهرات نیم میلیونی از مسیری که میبایست طی میکرد و پرتاب آن به دامن حزب متقلب و جنایتکاری که اسم کارگر بر خود گذاشته است!

در انگلیس از آنجاییکه روز اول ماه مه (روز جهانی کارگر) تعطیل نیست، و بجای آن دو روز بعد آن تعطیل است آنها به دلیل مزخرف که برای "تعطیلی و استراحت" آنرا به دو روز بعد در تقویم منتقل کردند که دوشنبه باشد. بهرو، امسال روز جهانی کارگر به یکشنبه افتاد، روزی که تعطیلی عمومی ست، اما با برنامه ریزی "مشاوران سلطنتی" روز جمعه قبل از یکشنبه "مراسم جشن دو انگل" تنظیم شد. که این تعطیلی سبب گردید آنهایی که دستشان به دهانشان میرسید به فکر "تفریح" باشند و به مسافرت بروند. اما همه که دست شان به دهانشان نمیرسد، برخی از آنهایی که در انگلیس مانده بودند، به غیر آنهایی که همیشه بهانه ای برای "نرفتن" در راه پیمایی ها یا اعتراضات دارند، عده دیگر که مالیات های پرداختی آنان نیز صرف هزینه عروسی این دو انگل میشد، آیا حتی دست شان به عقلشان نمیرسید که در روز جهانی کارگر "هدیه" ای به این دو انگل سلطنتی بدهند؟ در راه پیمایی شرکت کنند و حداقل صفوف خود را به نمایش گذارند؟ اینها کجا بودند؟ که در راه پیمایی امسال فقط چند هزار نفر، آنها بیشتر سازمانها و احزاب و فعالین ضدسرمایه داری، شرکت داشت؟

عروسی ادامه دار...

جمع عروسی دو انگل بود اما "سرگرمی" های عروسی همچنان ادامه دارد...یکشنبه است در راه برگشتن از راهپیمایی روز اول ماه، در حالیکه تمام راه این مسئله - عدم شرکت حضور کارگران و زحمتکشان در راه پیمایی روز اول ماه مه ذهنم را مشغول کرده - به نزدیک در ایستگاه مترو رسیدم که دیدم پلیس ها دو دیوار درست کرده

اند به اندازه یک کیلومتر یک دیوار از گوشت خودشان و دیگری دیوار نرده های حفاظتی فلزی. برای یک لحظه فکر کردم که اینجا راه پیمایی اول ماه مه است و نه آن جایی که همیشه بود. و صف بیشمار در مسیری که پلیس بوجود آورده بود داشت به طرف ایستگاه مترو میرفت. و کسانی که با ایستگاه پنج شش متر بیشتر فاصله نداشتند طبق "فرمان" پلیس میبایست که یک کیلومتر را می پیوند تا به صف طویلی که در حال حرکت بود میرسیدند و همان راه را دوباره برمی گشتند تا به در ایستگاه مترو میرسیدند، از جمعیت پرسیدم شما صف "روز جهانی کارگر" هستید؟ برخی ها سرخ شدند و سرشان را پایین انداختند، گفتم نگران نباشید "آینده ای روشن در انتظار است، سوخت از لیبی میرسد و سایر مواد نیز از جاهای دیگر.. کارگران ارزان مهاجر هم دم دست..!" سکوت قبرستان بود در بین این صف طویل! وقتی که وارد ایستگاه میشدی گروه نوازنده بسیار جوان همراه با یک خواننده که همگی خود را بشکل "فرشته" های بالدار "الهی" در آورده بودند مشغول خالی کردن جیب همین "صف" بود که "دربار سلطنتی هم جیبش را هر روز" از طریق دولتش داشت خالی میکرد! "فرشتگان بالدار الهی" مثل مگسهای سمج وز وز میکردند تا برای کودکان معلول و ... پول جمع شود، واقعا که چه بالداران" بشردوستی و البته "قهمیده ای"! زنی مُسن هم سلطی بزرگ را مدام جلوی چشم رهگذران تکان میداد تا در آن پول ریخته شود. جلو رفتم در گوش زن که سطل گدایی را در دست داشت گفتم، اون چهار میلیون پوندی که خرج "عروسی اون دو انگل" شد باید میرفت توی این سطل که هزینه کودکان معلول و درمان کم درآمدها و غیر تامین شود نه اینکه شما باز هم بخواهی از جیب زحمتکشان پول بیرون بکشی، درسته؟ با وفاحتی که مخصوص "فرهنگ متعفن بورژوازی انگلیس" ست در حالیکه سلطش را تکان میداد گفت: بله بله... درست میگویی.. گفتم اگر درست میگویم بساطت رو جمع کن... و برو از حقل اون دوتا پول رو دربیار، وبعد هم در جمعیت گم شدم.

اما آن صف طویل صف چه بود؟ از کجا میامد و به کجا میرفت؟ آن صف طویل و برعکس همیشه بسیار منظم، صف زحمتکشانی بود که از مسابقه فوتبال بر میگشتند و میرفتند که در آجو خوری ها برنده شدن تیم فوتبال مورد علاقه شان را جشن بگیرند... و باجه های کنترل بلیط نیز بر عکس همیشه باز بود و کسی بلیط "مطالبه" نمیکرد... در حالیکه وقتی داشتم به راه پیمایی میرفتم... قضیه در ایستگاه متروبر عکس بود... در اتوبوس زنی که با کیسه های خرید از فروشگاه های لباس سوار شده بود چشمانش از شادی برق میزد، میگفت "ده پوند" کارت مجانی خرید بخاطر "عروسی شاهزاده" دریافت کردم! گفتم مجانی به شما دادند؟ یا اینکه میبایست خرید "با مبلغ معینی" داشته باشی تا این "کارت شاهزاده ای" به شما اعطاء شود؟ گفت، نه.. مجانی نبود ۵۰ پوند خرید کردم. گفتم اگر مجانی نبود که دیگر شادی ندارد.. کلی از جیب شما در آورده اند، این کمپانی های "مدرور" هم حامیان همین شاهزاده ها هستند، مجانی به کسی در این دنیا چیزی داده نمیشود.. به این وسیله میخواهند "حامی" جمع کنند...

آیا این عروسی در انگلیس با استقبال انبوه جمعیت روبرو بود؟ خیر! اگر بود که دوربینها خبری لنزهای دوربین شان را از روی آنها برنمی داشتند، نمونه بارز آن هم در محلات لندن بود، در هر محله به ندرت دیده میشد که طرفدار سلطنتی پرچم انگلیس را پرچمی که مزین به عکس "شاهزاده" بود را بر در خانه شان آویزان کرده باشند، در مناطق محروم که حتی از "جشنهای خیابانی" و پرچم هم خبری نبود.. سکوت مطلق بود.. سکوتی که بی شک در زیر خاکستر نهفته شده است.. همه این اختلاف طبقاتی را با پوست و گوشت خود لمس کردند... چه موقع خشمشان شعله ور میشود...؟

در هفته گذشته چندین پناهگاه (جایی که برخی ها بنا به دلایل مختلف از جمله بی پولی که جایی برای زندگی ندارد، و محلی، منزلی، انباری... را به اشغال خود در آورده و برای مدتی در آنجا زندگی میکنند) و چند منزل مورد یورش وحشیانه پلیس ها انگلیس قرار گرفت، و این تنها حمله پلیس "آماده باش" برای مراسم عروسی دو انگل سلطنتی نبود، پلیس به تاترهای خیابانی که فقط "تاتر" بود و بمب و تنفگ نداشت، از محل عروسی دو انگل سلطنتی بسیار دور بود، نیز حمله برد و هنرپیشگان این تاترهای خیابانی که اکثرن بازنشسته بودند را دستگیر کرد. فیلم دستگیری ها در زیر این نوشته قرار میگیرد که توصیه میشود برای مشاهده "دموکراسی اروپایی" حتما آنرا ببینید!

قتل!

امپریالیستها: "مدتی عروسی برایتان راه انداختیم زیادی شاد شدید دوباره برگردیم به "جنگ با تروریسم" ی که دست پخت خودمان است و خودمان مسلحش کردیم و تن نادان ها را بلرزانیم تا شیره جانشان را از طریق کار با دستمزدهای ناچیز بمکیم تا لاشه خود را پروارتر کنیم!"

سی آی ای این سازمان امنیتی و اطلاعاتی آمریکا که یکی از مخوف ترین و جنایتکارترین سازمانهاست که به جز شناسایی تعقیب و سر به نیست کردن مخالفین سرمایه داری، در قاچاق مواد مخدر، حمل و نقل آن توسط کامیونهای سازمان ملل (همان سازمانی که خیلی ها به آن دخیل میبینند که البته کورشان میکند که شفایشان نمیدهد) نفوذ در بین جنبش های مقاومت، خرید مزدوران از همه رقم بخصوص "وطن پرست"، و دایر کردن سازمانهای اطلاعاتی چون ساواک آدم گش برای برگرداندن "شاه" میباشد. آنانی که در "رنای اعدام و

کشتن جنایتکاران" نوشته پشت نوشته می نویسند، آنانی که بنا به دلایل مدروز " انسانی" دلرحم هستند و از مجازات جنایتکارانی که شیره جان محرومان را نه تنها می میمکنند بلکه مخالفین این زورگویی، ظلم و غارتگری را هم میگیرند و شکنجه میکنند و میکشند را " غیرانسانی" میدانند در مقابل " قتل های دولتی" امپریالیستها سکوت میکنند!

البته این عده که برخی هایشان هم اسم کارگر و کمونیسم را یدک میشکنند نه تنها از حمله ارتش وحشی اربابان خمینی به عراق وافغانستان به بهانه های " فرهنگی و انسان دوستی" حمایت کردند بلکه آخرین هم با بی شرمی تمام از حمله آمریکا و متحدینش به لیبی نیز با همان بهانه ها(مقابله با اسلام سیاسی) نیز دفاع میکنند! قاعدن این چاکران درگاه سرمایه داری که منتظر صندلی خدمت در کنار گنجی های جنایتکار هستند پشت اسم " کمونیسم" هر مزخرفی را سر هم کرده و برای نادانهای چون خودشان قرقره میکنند تا کسی از مبارزه قهرآمیز و یا مجازات جنایتکاران واقعی که پرورش دهنده بن لادن ها ، خمینی ها، شاه و ساواک آدم گُشی، طالبان، سازگاره‌ها، گنجی ها . این لیست ادامه دار.. هستند، حرفی به میان نیاورد!

هیچکدام از اینها از سیاست های اوپاما که ادامه همان سیاست های جرج بوش پدر و پسر جنایتکار و در اصل ادامه سیاست های سیستم سرمایه داری خون آشام آمریکا میباشد انتقادی نمیکند، از اینکه این جنایتکار از کشتن " بن لادن" ابزار خوشحالی میکند چیزی نمیگویند! و از همه بدتر از اینکه اوپاما بر گردن سی آی ای که یکی از منقورترین سازمانهای اطلاعاتی دنیاست مدال افتخار میاندازد چیزی نمیگوید! مدالی که سی آی ای که را که از فرط جنایتکاری در حق آزادیخواهان واقعی کشورهای مختلف و افشای جنایات و ظلم هایش خود را در پشت اسم " خانه دموکراسی آمریکا" قائم کرده بود، به بیرون می کشاند، تا اوپاما دودوز باز مکار مدال را برگردنش آویزان کند! و البته طبق معمول احمق هایی هم که بنام " آزادی وطن، یا آزادت می کنیم ای وطن.." عربده میشکنند هوراکشان اوپاما و سی آی ای او خواهند بود! همان هایی که تا یک کمونیست حرف از مجازات جنایتکاران واقعی که خون زحمتکششان را در شیشه میکنند بمیان میاورد را با فحاشی های " درباری" و " اسلامی" بمباران میکنند و وای " بشر وای بشر" راه میاندازند و عده ای هم در لباس چپ با " سکوت" شان میدان را برای تاخت و تاز این اوباش باز میگذارند!

قانون آمریکا درآوردی " جنگ با تروریسم" این زورمداری را بوجود آورده که به آمریکا اجازه حمله های نظامی که از سال ۲۰۰۱ تا بحال بیش از یک میلیون شهروند غیرنظامی را کشتار کند را داده است.

آمریکا بد نامی تاریخی برای آموزش و مسلح کردن تروریست دارد. بطور مثال در سالهای ۱۹۸۰ مجاهدین افغانستان را مسلح میکند تا بر علیه نیروهای اتحاد جماهیر شوروی بجنگند. پس از مدت زمانی مجاهدین اکنون آموزشها و سلاح های آمریکایی را بر علیه آمریکا بکار میبرند و آمریکا مردم دنیا را از این " تروریست" ها میترساند. مابین این عده کسی بود که از آمریکا حمایت میکرد و آن ائامه بن لادن بود، کسی که گروه القاعده را تشکیل داد.

اوپاما پشت میکروفون قرار میگیرد و قتل بن لادن توسط سی آی ای را با افتخار و با شادی اعلام میکند. و اعلام میدارد که عکس به قتل رسیده بن لادن به زودی در اختیار عموم قرار میگیرد.

بدلیل ریسکی بودن " امنیت ملی" اوپاما دستور " مسدودکردن" منابعی که میخواستند " عکس مقتول" را در معرض عموم قرار دهند را صادر میکند. روزنامه گاردین انگلیس اما عکسهایی از این " مقتولین" درج میکند! ظاهر همه " منابع" را اوپاما قادر نشده ببندد!

دورغ و مکاری اوپاما! اما امروز همین فرد، اوپاما، بدلیل فشارانقتادهایی که از او میشود، از طریق سخنگوی کاخ سفید اعلام میدارد که " لازم نیست" عکس افشا شود زیرا که "جسد" به دلیل عقاید مسلمانان بیش از ۲۴ ساعت نمیتواند نگهداری شود و دفن گردیده. این در حالی ست که وقتی پسر صدام حسین را سی آی ای کشت جسد او را ۱۱ روز نگهداشت. رئیس اجرایی سی آی ای ، لئون پانه تا، حیوانی که اوپاما فرار بود " مدال" را بر گردن او آویزان کند، گفته بود که تا ۲۴ ساعت دیگر عکسی از جسد بن لادن در اختیار عموم قرار میدهد. سخنگویان مختلف دولت آمریکا که در پروژه " قتل بن لادن" همکاری داشتند خبرهای ضد و نقیضی ارائه دادند که تمامی در اصل ماهیت اصلی دولت امپریالیسم آمریکای خون آشام را برجسته تر میکند. خمینی منفور و جلاذ هم به لیست اضافه کنید که وقتی به درک واصل شد سه روز آنرا در آکواریم گذاشتند تا " بهره برداری" های بیشتر به پیش رود!

اما جالب است جمله ای از ، حیوانی بنام لئون پانه تا، رئیس اجرایی سی آی است بدانیم، او پس از اعلام کشته شدن بن لادن در یک آپارتمان در پاکستان در یک عملیات ویژه (U.S. Navy SEALs) و بودن یک زن که هویت آن شناسایی نشده و سه مرد دیگر که یکی از آنها پسر بن لادن بوده به خبرنگار تلویزیون ان بی سی چنین میگوید: " اصل ماجرا این است که ، شما میدانید، ما بن لادن را گرفتیم و من فکر میکنم ما ناچاریم که به بقیه دنیا بیاوریم که در حقیقت این ما بودیم که توانستیم او را بگیریم و بکشیم."

قتل ادامه دار...

امپریالیسم آمریکا با به میدان آوردن علنی سی آی ای در صدد سرکوب آشکار مخالفین سرمایه داری در جاهای مختلف است ماموریتی که "سیا" در پشت پرده در حال انجام آن بود.. چطور بن لادن " دستگیر" شد را هرگز نمیگویند؟ چرا که " مسایل امنیتی" شان به خطر میافتد!

عروسی و قتل ظاهرن به پایان رسید، اگر چه تا مدتهای مدید دیدن چهرهای آنها را به ما تحمیل میکنند، اما " جنگ با تروریسم" که عده ای نادان هم آنرا از صبح تا شام نشخوار میکنند ادامه دارد با این بهانه در اصل امپریالیسم آمریکای خون آشام میخواهد هر چه آزادی بشری ست را سلب نماید و در پناه کنترل کردن بشریت توسط سی آی ای و کمپانی های فروش اسلحه و کنترل اینترنتی ، " آزادی بشر جهانی" را جایگزین آن سازد. تنها و تنها آگاهی زحمتکشان است که میتواند در پس یک مبارزه قهرآمیز به این امپراطوری خون آشام سلطه گر قهار که آفرینده "خدای قهار" پایان دهد.

اگر چه در انواع مختلف پادوهای سرمایه داری در مکان های مختلف به فکر درست کردن " سرگرمی و خندانند" نادانها هستند! اما جدی بودن در باره آنچه که در اطراف ما میگردد، فکر کردن به ریشه و چگونگی آن چه که در پیرامون مان میگردد، و آگاهی از برپایی ریشه ظلم و ستم نابرابری طبقاتی با مطالعه متون علمی، اولین قدم در راه رهایی از سلطه استثمار و نابرابری طبقاتی ست. بی خیالی و لاپالی گری در اجرای مسئولیتی که بعنوان انسان کار داریم بزرگترین ضربه به زندگی و آینده خود و فرزندان فرزندان تان است. این طبقه دزد و غارتگر است که باید از لشکر انسانهای کار وحشت کند و نه برعکس!

لینک فیلم دستگیری هنرپیشگان تاتر خیابانی در زمان مراسم جشن عروسی "شاهزاده" در لندن!

http://london.indymedia.org/system/video/2011/04/29/8919/quillotine_arrest.flv.mp4

در لینک زیر تظاهر کننده که پلاکادر در دست دارد میگوید: دولت کمک به بیماران مبتلا به ایدز و سایر بیماری ها برای خرید داروهایشان را کم کرده حالا ما اینجا فقط در حال گفتن این اخبار هستیم چرا این حق را باید از ما سلب کنند؟ و پلیس میخواهد ما را متفرق کند؟ به ما میگویند ما " صلح را بر هم زده ایم"!

<http://london.indymedia.org/system/video/2011/05/01/8938/queerzombie.flv.mp4>

لینک خبر روزنامه گاردین

<http://www.guardian.co.uk/technology/2011/apr/28/egypt-spying-software-gamma-finisher?INTCMP=SRCH>

صبا راهی ماه می دوهزار و یازده